

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و به امید پیروزی رزمندگان اسلام.

میخواهم وصیت نامه بنویسم ؛ عصر است بیاد خانه مان و شهرمان افتاده ام ، به یاد دوستانم افتاده ام . مادر جان سلام ای مهربان مادرم ..... مادرم چگونه با توسخن بگویم همه چیزت ایثار و همه چیزت مهربانی ؛ سلام ای زهراي زمان مادر.....الآن در اینجا هر وقت بیاد تو می افتم ناراحت می شوم ، من وقتی می آمدم گریه کردی هر وقت بیاد گریه ات می افتم ، گریه میکنم .نکند هر وقت من به آرزوی دیرینه ام رسیدم گریه کنی مرا حلال کن من برای تو فرزند خوبی نبودم . سلام ای پدرم ، ای زحمتکش ، پدر جان وقتی بیاد می آورم از مدرسه برمیگشتم و به دکان می آمدم و میدیدم که تنها در آن دکان تاریک کار میکنی ناراحت میشدم . من اصلا برای شما فرزند خوبی نبودم همیشه بیاد خودم بودم که درس بخوانم و تو تنها در آنجا کار میکردی که من درس بخوانم.

خواهرم سلام ؛ خواهرم فاطمه یادت می آید آن وقتها که عصبانی میشدم و سرت داد میزدم ، خواهرم مراحل کن و بجای من روی برادرم نادر و خواهرانم خدیجه و سمیه را ببوس . خواهرم خدیجه ، دلم خیلی برایت تنگ شده و سلام مرا به سمیه برسانید و بجای من او را بغل کنید و ببوسید و عکس مرا نشانش بدهید و بگویید این عکس را میشناسی . خواهرم حجابت را حفظ کن و طرزحجاب گرفتن را به خواهرانم بیاموز و بخانه مادر بزرگم برو و بگو دیگر جای مرا نینداز دیگر من برنمیگردم . بگو ناصر چقدر بتو میگفت دعا کن من شهید بشوم و تو آن را دنبال میکردی .... و او شهید شد. مادر بزرگ جانم برایم دعا کن ، برایم نماز بخوان هر وقت به خانه تو می آمدم یادم می آید میگفتی اگر تو بروی من تنها میمانم . مادر بزرگ میتوانم بگویم اول خدا را دوست داشتیم و بعد تورا ..... مادر جان برادرم نادر را بجای من بگذار برود پیش مادر بزرگم چون من مادر بزرگم را دوست دارم.